



شنبه 24 فروردین 1392 - 2 جمادى الثاني 1433 - 13 آوريل 2012

دولتهای استعمارگر اروپایی که پس از ساخت توپ و تفنگ و قطب نما ...

تقسیم سرزمین ها و تعیین سرنوشت ملل در نشست های لندن!

دولتهای استعمارگر اروپایی که پس از ساخت توپ و تفنگ و قطب نما [برپایه روش چینیان در ساخت باروت و قطب نما که مارکو پولو در سفرنامه خود شرح داده بود] و یافتن راههای دریایی، از اواخر قرن پانزدهم با هدف بلعیدن سرزمین های دوردست و از چنگ یکدیگر خارج ساختن آنها وارد یک رشته رقابت های خونین شدند که از قرن نوزدهم این رقابت مسلحانه به مذاکره و تقسیم مسالمت آمیز ملل [و اینک در چارچوب ناتو] تبدیل شد و محل این مذاکرات، عمدتاً شهر لندن و در چند مورد پایتخت های دیگر اروپایی از جمله شهر برلین بود. گاهی هم در این سازش ها دست به دغل - کاری می زدند، از جمله دغل زدن در تقسیم آفریقای مرکزی. 13 اپریل 1894 دولتهای انگلستان و بلژیک در یک جلسه محرمانه در لندن [و بدون اطلاع فرانسه و آلمان] آفریقای مرکزی را میان خود قسمت کردند! که نقض قرارداد برلین بود. کنگره برلین که به ابتکار بیسمارک تشکیل شده بود، قبلاً ترتیب تقسیم آفریقا میان اروپائیان را داده بود تا سهمی هم به آلمان برسد. همان کنگره کشور پهناور کنگورا به بلژیک بخشیده بود!

این نشست ها همچنان ادامه دارند و آخرین آنها در 29 مارس 2011 (9 فروردین 1390) در لندن و با هدف نهایی خوردن نفت لیبی و احتمالاً تجزیه آن صورت گرفت. این نشست تصمیماتی گرفت که مغایر همه اصول و میثاقهای جهانی بود از جمله تغییر رژیم لیبی! برسمیت شناختن مخالفان قذافی به عنوان دولت انتقال! و ادامه حمایت نظامی از آنها! [صدور مجوز مداخله رسمی در امور یک کشور مستقل عضو سازمان ملل - سازمانی که ظاهراً برای جلوگیری از این دخالت ها و جنگ بوجود آمده است]. بلوک غرب [ناتو] که با کنار رفتن کامل روسیه از میدان رقابت، یک تاز میدان شده است در جریان کنفرانس لندن به نظر مقاله نگاران که بالا بردن مصنوعی بهای بنزین بس است مردم قانع شدند که قذافی! عامل آن بوده، آن را [که در آمریکا دو برابر شده و هرگالن کمتر از چهار لیتر به 4 دلار رسیده است] تعدیل کنید توجه نکردند.

به چند نشست لندن از این دست اشاره می شود: نشست سال 1832 و انتخاب یک شاهزاده آلمانی! از ایالت «باویر» به پادشاهی یونان جدید الاستقلال و ولیعهد دانمارکی! قرارداد برای این پادشاه، نشست سال 1839 و دادن استقلال به آلمانی زبانهای لوکزمبورگ، و تضمین استقلال و بی طرفی بلژیک [که نقض آن از سوی آلمان از عوامل دو جنگ جهانی بشمار می رود]، نشست سال 1866 و تبدیل کانادا به یک کنفدراسیون وابسته به انگلستان، نشست 1913 و دادن استقلال به آلبانی و بذل و بخشش اراضی آزادشده بالکان از دست عثمانی، نشست سال 1953 و دادن نفت ایران به کمپانی های نفتی غرب [که چند ماه بعد میان خود تشکیل کنسرسیوم دادند]، نشست سال 1954 و تعیین وضعیت آلمان غربی و سرنوشت منطقه سارلند (زارلند)، نشست سال 2006 و سازش برسر غربی کردن عملیات نظامی افغانستان و ورود «ناتو» به این سرزمین.

روزی که شهر وین به دست ارتش شوروی افتاد - فریب روس ها از غرب و اعتراف به آن

13 اپریل سال 1945 ارتش شوروی شهر وین را تصرف کرد و 90 هزار تن از سربازان هیتلر را به اسارت گرفت. اتریش (سرزمین ژرمن نشین) در سال 1938 به آلمان پیوسته و یکی از ایالات آلمان (رایش سوم) شده بود. شوروی در جریان جنگ جهانی دوم، از زمان حمله ارتش هیتلر به آن کشور در 1941 تا تصرف برلین در 1945، نزدیک به 27 میلیون کشته، تلفات داد؛ حال آن که جمع کل تلفات آمریکا در دو جبهه اروپا و آسیا به نیم میلیون نفر هم نرسید. اواخر دهه 1980 غرب موفق به فریب دادن گورباچف و دستیارنش شد و هر آنچه را که شوروی از شکست هیتلر به دست آورده بود داوطلبانه از دست داد! دولتهای غرب مدعی هستند که نگرانی آنها از ارتش سرخ پس از شکست هیتلر و استقرار آن در اروپای شرقی و مرکزی بود که سبب عملی شدن طرح تاسیس اتحادیه نظامی اطلانتیک شمالی (ناتو) شد.

پس از تاسیس ناتو، دولت مسکو به نوبه خود تلاش کرد در کشورهای اروپایی متحد خود که آنها را از دست ارتش آلمان خارج ساخته بود، جز یوگوسلاوی، یک پیمان دوستی و عملاً نظامی به وجود آورد که به پیمان ورشو معروف شد. این کشور ها در این چارچوب یک اتحادیه اقتصادی هم به وجود آوردند.

دولت وقت مسکو (گورباچف) اواخر دهه 1980 داوطلبانه با انحلال پیمان ورشو موافقت کرد به این امید که ناتو هم منحل شود که برخلاف انتظار مسکو، پس از فروپاشی اسرار آمیز شوروی، ناتو نه تنها منحل نشد بلکه گسترش یافت و به مرزهای سابق شوروی رسید و از اپریل 2004 به لیتوانی، لتونی و استونی - سه کشور از کشورهای سابق شوروی وارد شده و در همان پایگاههایی که با پول روسها در این سه کشور بالتیک شوروی ساخته شده اند مستقر شده است. وزیر دفاع روسیه در اپریل 2007 و 16 سال پس از فروپاشی شوروی، برای نخستین بار اظهارداشت که در نیمه دوم دهه 1980 روس ها فریب غرب را خوردند (که با ابطال پیمان ورشو و تخلیه اروپای شرقی از نیروهای خود موافقت کردند که دنباله آن فروپاشی شوروی بود). این مطلب را وزیر دفاع روسیه در جریان اعتراض به تصمیم آمریکا دایر بر استقرار موشک ضد موشک در لهستان بیان داشته بود. یک مفسر بی طرف در تفسیر اظهارات وزیر دفاع روسیه چنین نوشته بود:

«دولتهای غرب (متحدین غربی) بعد از جنگ جهانی دوم مدعی شدند که نگران یک تعرض ناگهانی ارتش سرخ هستند و این

نگرانی را آنقدر تکرار کردند تا به تاسیس اتحادیه نظامی اتلانتیک شمالی (ناتو) انجامید. ولی با اینکه که بلوک شرق منحل شده، شوروی فروپاشیده و دیگر نامی از ارتش سرخ نیست؛ ناتو همچنان خود را گسترش می دهد و می خواهد ماموریتش خرا جهانی کند و به هر بهانه ای به گوشه و کنار جهان نیرو بفرستد؛ غافل از اینکه همین عمل، در ملل دیگر ایجاد تفکر مقاومت می کند. بشر دنیای قرن 21 انسان جهان دهه های 1940 و 1950 نیست و ...».

چند صاحب نظر در تفسیر توافق هفتم اپریل 2010 سران آمریکا و روسیه به کاهش دادن و مساوی کردن سلاحهای هسته ای دوکشور و وسائل انتقال آنها گفته بودند که به نظر می رسد که روسها یک بار دیگر فریب خورده اند زیرا که روسیه دارای 12 هزار و آمریکا 8 هزار سلاح اتمی است و تولید چهار هزار بمب و کلاهک شوخی نیست. اینها متعلق به همه اتباع شوروی سابق هستند نه روسها. چرا آمریکا با روسیه بر سر عضویت دولت مسکو در سازمان جهانی تجارت موافقت نمی کند؟، چرا از این کشور کالا وارد نمی کند و هزاران چرای دیگر.